خراسان رضوی

صفحه آخر

پنج‌شنبه
۴آبان ۱۳۹۶
۶صفر ۱۴۳۹
۸صفحه/شماره ۳۶۹۸

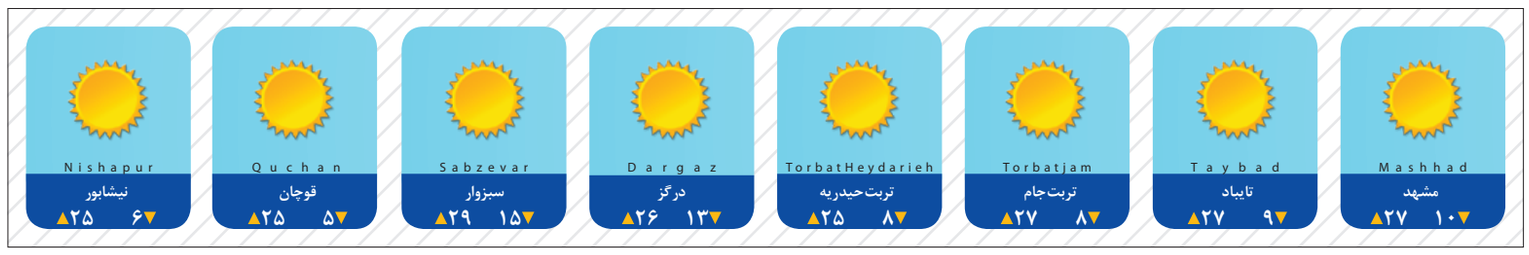

روزنامه خراسان رضوی:
رتبه یک نشریات استانی

صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری خراسان
مدیرمسئول: محمد سعید احدیان
سردبیر: سیدعلی علوی

دفتر مرکزی: مشهد، بلوار شهید صادقی
صندوق پستی: ۹۱۷۳۵-۵۱۱
تلفن: ۳۷۶۳۴۰۰۰-۰۵۱

نمابر دبیرخانه: ۰۵۱۳۷۶۲۴۳۹۵
پذیرش آگهی و اشتراک: ۰۵۱۳۷۰۱۰
پیامک: ۲۰۰۰۹۹۹

چاپ مشهد: شهر چاپ خراسان
روابط عمومی: ۰۵۱۳۷۰۰۹۱۱۱
نمابر تحریریه: ۰۵۱۳۷۶۲۶۵۰۱

حکمت روز

پیامبر اکرم (ص)

با هم غذا بخورید و پراکنده نباشید که برکت با جماعت است.
نهج الفصاحه ص۶۱۵، ح۲۱۸۰

با شاعران

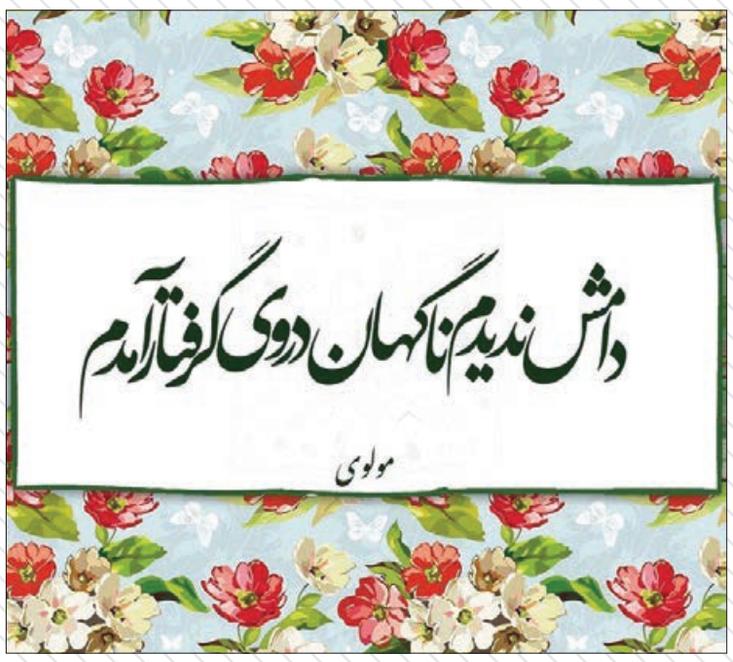

خراسان به روایت خراسان

۴آبان ۱۳۴۵

استاد بی‌رحم شاگردش را داغ کرد

۵۱سال پیش در چنین روزی، روزنامه «خراسان» نوشت: روز گذشته ابوسعید ده ساله شاگرد دوچرخه‌ساز که در نتیجه تنبیه وحشیانه استاد خود مجروح شد، جهت درمان به بیمارستان منتقل گردید. جریان واقعه از این قرار است که سال پیش چون فقر و بدبختی به خانواده ابوسعید روی آورد والدین مجبور شدند طفل خردسال خود را برای کمک به مخارج زندگی در ازای هفته‌ای دو تومان جهت شاگردی به دکان دوچرخه‌سازی عباسعلی بفرستند. روز گذشته عباسعلی استاد دوچرخه‌ساز دو تومان حقوق هفتگی ابوسعید را به او داد و گفت آن را خرج نکنی و به دست پدر بده. ولی ابوسعید در راه منزل چند ریال از پول را خرج کرد، همین امر سبب شد در مراجعت به دکان، عباسعلی از خبر خرج چند ریال ناراحت شد و تیغ اره‌ای روی پریموس گذاشت تا این که آهن گداخته شود و برای تنبیه ابوسعید آن را بر روی بدن او گذاشت. ابوسعید که از درد به خود می‌پیچید به وسیله عده‌ای از عابران از زیر چنگال‌های بی‌رحم استاد نجات یافت و برای درمان به بیمارستان منتقل شد. گویا از طرف والدین ابوسعید شکایتی تسلیم مقامات قضایی شده است و استاد دوچرخه‌ساز تحت تعقیب قانونی قرار دارد.

تجدید فراش با چاشنی چاقو کشی

روز قبل هوس تجدید فراش مردی باعث اختلاف شد که سرانجام به نزاع و چاقوکشی انجامید.
چندی پیش طاهره متوجه شد که شوهرش علی دیرتر به خانه می‌آید و بعضی شب‌ها هم به کلی خانه نمی‌آید و علاقه و محبت او به خانواده‌اش کمتر شده است. طاهره از علی توضیح خواست اما جواب‌های بی‌سر و ته شنید که برای او قانع کننده نبود تا این که دو روز پیش از یکی از همسایگان شنید که علی در کوچه حسین باشی با زنی به نام عزت ازدواج کرده است. طاهره منتظر شد که شوهرش شب به خانه بیاید تا در این مورد با او گفتگو کند، ولی علی به خانه نیامد و طاهره صبح زود به همان نشانی که داشت به سراغ علی رفت و دید که خبر درست است. علی همین که فهمید طاهره به سراغش آمده عصبانی شد و شروع به داد و فریاد نمود و نزاع بالا گرفت. در میانه این نزاع، علی چاقویی از جیب خود خارج کرده و با آن به طاهره حمله کرد. پس از لحظه‌ای چند تن از همسایگان به مداخله در نزاع آن‌ها پرداختند و از زد و خورد بیشتر جلوگیری کردند. طاهره که در نتیجه ضربات چاقو مجروح شده بود برای درمان جراحات به بیمارستان منتقل شد و قضیه تحت تعقیب مقامات قضایی قرار گرفت.

سرقت از چلوکبابی

طبق گزارش خبرنگار ما روز گذشته شخصی به نام مرتضی متصدی یک چلوکبابی به کلانتری بخش یک مراجعه کرد و اظهار داشت: شخصی به نام علی از سوی فردی برای کارگری به وی معرفی شده است و این شخص پس از مدتی که در آن جا کار کرده، در موقعی که مغازه خلوت بوده، سه کیسه برنج و ۱۴۰ تومان وجه نقد را از مغازه برداشته و متواری گردیده است. وی اضافه نمود: از فردی که وی را به من معرفی کرده است، شکایت دارم. طرفین پرونده جهت تحقیقات به اداره آگاهی اعزام گردیدند.

نمای قدیمی

بخشی از بافت آبکوه مشهد در سال ۱۳۴۱ش.

آدم ها، قصه ها

صالحی

گپی با «علیرضا محمودی ایرانمهر» و روایت خواندنی او از حرفه نویسندگی؛

دکتر گفته بود یا قاتل می‌شوم یا نویسنده!

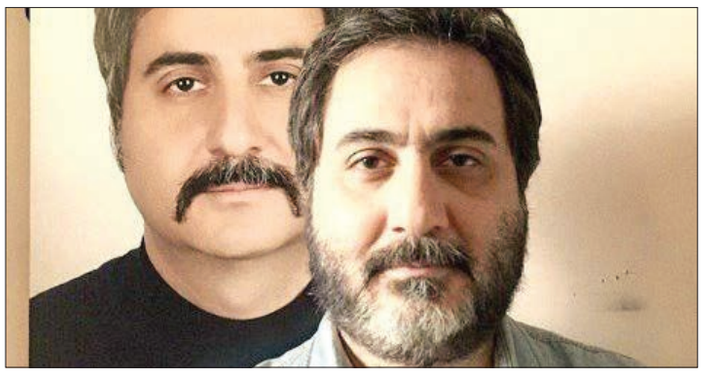

با پشت سر گذاشتن ماجراها و دشواری‌های فراوان، تدریس، فیلم‌نامه‌نویسی و نویسندگی حرفه امروز اوست. بیش از ۲۰ فیلم‌نامه ساخته شده و نویسندگی فیلم‌نامه‌های تلویزیونی و سینمایی از جمله فیلم‌های «دلخون»، «آزادراه»، «شطرنج باز» و «راز» را در کارنامه هنری خود دارد اما دیگر فیلم‌نامه نمی‌نویسد. چون به نظرش، پیچ و خم‌های نگارش آن روح انسان را می‌خراشد، مگر پیشنهاد خوبی پیش بیاید. تالیف مجموعه داستان‌ها و رمان‌های «بریم خوشگذرونی»، «ابر صورتی»، «سفر با گردباد» و «فریدون پسر فرانک» او را در زمره نویسندگان جوان و سرشناس ایرانی قرار داده و کارنامه او با جوایز برجسته در حوزه داستان‌نویسی پُر و پیمان شده است. غیر از نویسندگی، کلاس آشپزی دارد، آن هم از نوع آشپزی خلاق. غذاهای سنتی را چندان نمی‌پسندد اما دم‌پختک‌های تهرانی را خیلی دوست دارد. او همچنین در جمع‌های دوستانه به «علی شله‌پز» معروف است و مهمانی شله می‌دهد. با «علیرضا محمودی ایرانمهر»، نویسنده بنام خراسانی به بهانه انتشار آخرین کتابش «باران‌ساز» گفت‌وگویی داشتیم که در ادامه می‌خوانید:

ماجراهای آقای نویسنده

خانه‌ای که در آن چشم به جهان گشوده، منزلی بزرگ با قدمتی ۵۰۰ ساله واقع در خسروی نو بوده که پنجره اتاق‌هایش رو به گنبد طلایی حرم رضوی باز می‌شده است. دالانی از خانه با گذر از چند منزل به میان صحنی از حرم مطهر می‌رسیده و علیرضا در آغوش پدربزرگش هر بعدازظهر از این مسیر به زیارت می‌رفته و تابستان‌ها هم از میانه حیاط منزل، گوش به صدای نقارخانه حرم می‌سپرده است.
تا نوجوانی مشهد بوده و دوران جوانی‌اش را در شهر ادب‌پرور شیراز می‌گذراند. ۲۰ سال اخیر را هم ساکن پایتخت بوده است. برای مرور قصه متفاوت و شیرین نویسنده شدنش به ایام کودکی باز می‌گردد و می‌گوید: سال دوم دبستان رفوزه شدم. با وجودی که بسیار به مدرسه علاقه‌مند بودم اما نمی‌توانستم کلمات را به درستی بخوانم و بنویسم و طبیعتا در دروسی مانند املا و انشا نمره‌ای کسب نمی‌کردم. ذهنم به مثابه آینه‌ای بود و کلمات را پشت و رو می‌دیدم و می‌نوشتم و با خودم حرف هم می‌زدم. با این شرایط خانواده‌ام خیلی نگران شدند و من را نزد دکتر بردند و آقای دکتر به مادرم گفته بود: «خیلی مراقبش باشید، بزرگ بشه یا قاتل می‌شه یا نویسنده». اتفاقا من از نویسندگی بسیار بدم می‌آمد؛ چون از همان زمان تا همین حالا ذهنیت عمومی درباره نویسندگان، آدم‌هایی منزوی، بدبخت و بی‌نواست که یا کسی تحویل‌شان نمی‌گیرد یا بعد از مرگ شناخته می‌شوند.

نویسنده نمی‌شوم مگر با ماشین تحریر!

باز می‌خندد و یکی از ریشه‌های این بیزاری از حرفه نویسندگی را تماشای یک فیلم تلخ ژاپنی بیان می‌کند که در آن نویسنده‌ای با تمام تلاشی که برای موفقیت به خرج می‌دهد، سرانجام در فقر و فلاکت می‌میرد و اتفاقا بعد مرگش معروف می‌شود؛ «برای همین، حتی پیش از ورود به مدرسه، یکی از قطعیت‌های زندگی‌ام این بود که هر چقدر هم بدبخت شوم، دیگر نویسنده نمی‌شوم. بعد از این که در سال دوم به مشکل برخوردم، مادرم به من پیشنهاد داد، می‌خواهی نویسنده شوی؟! با آن ذهنیت، بسیار وحشت کردم که چه عاملی باعث شده والدینم به چنین سرانجام ترسناکی برایم بینندیشند. برای تسلط بر این مشکل و این که خدایی ناکرده به آن عاقبت گرفتار نشوم، سعی به نوشتن کردم و برای رفع مشکل نوشتنم، پدرم ماشین تحریری برایم تهیه کرد.»
باز آن کودک پُرشور و شر، فیلم دیگری می‌بیند که در آن نویسنده آمریکایی بدبختی با ماشین تحریر، مشغول نوشتن است و این بار قهرمان فیلم معروف و پولدار می‌شود. از آن پس فکر می‌کند، الزاما نویسندگان بدبخت نیستند، مگر این که ماشین تحریر داشته باشند! کم کم دست به قلم می‌شود و نوشته‌هایش به صورت مستمر در نشریاتی چون مجله «اطلاعات هفتگی» به چاپ می‌رسد. از کار در آژانس‌های مسافرتی و فروشگاه‌ها گرفته تا کارمندی و تدریس در دانشگاه را تجربه می‌کند اما به مرور در می‌یابد آن چه او را به لحاظ روحی راضی می‌کند، تنها نویسندگی است.
تازه‌ترین تالیف ایرانمهر اثری به نام «باران‌ساز» است که پس از شش سال وقفه، ماه اخیر مراحل چاپ و انتشارش به پایان رسید و آبان ماه رونمایی می‌شود. همچنین پنج سالی است که روزانه بخش‌هایی از کتاب «حافظ‌خوانی خصوصی» را که مجموعه داستان‌های به هم‌پیوسته، با ساختاری موزاییکی است، در فضای مجازی منتشر می‌کند. مرحله‌نگارش این اثر خاتمه‌یافته است و در صورتی که ویرایش نهایی آن تا آخر امسال صورت پذیرد، اوایل سال آتی رونمایی خواهد شد.
او این کتاب را قرائت خاصی از دیوان حافظ معرفی می‌کند که برای ما ایرانیان شکل آشنایی دارد؛ «در حقیقت فال گرفتن به نوعی قرائت شخصی از اشعار حافظ است. ما بنا به نیتی که می‌کنیم، تفالی می‌زنیم و بر مبنای شعری که می‌آید و ذهنیت خودمان آن را تفسیر می‌کنیم و آن را پاسخی به موقعیت موجودمان از سوی شاعر می‌دانیم. در این کتاب خواننده یک داستان می‌خواند که یک شعر حافظ نیز در ابتدای آن قرار گرفته است. آن داستان به نوعی موقعیتی را بیان می‌کند که می‌تواند پاسخی به آن شعر خاص باشد. کتابی که احترام به شکل کهن شعرخوانی در کشورمان است و ما به ازای دیگری ندارد.»
بعد از ۲۶ سال نوشتن حرفه‌ای، شغلش نویسندگی است و در این باره بیان می‌کند: تلاش کردم خودم را با این فضا هماهنگ کنم تا هم حرفم را بزنم، هم هویت کاری‌ام آسیب نبیند و هم نظر ارشاد را جلب کنم و پشت درها متوقف نشوم.

شاهنامه، پدری قدرتمند برای ادبیات ایران

محمودی ایرانمهر، گونه‌های مختلفی را در نوشته‌هایش آزموده است. برخی او را نویسنده‌ای سوررئال می‌دانند و گروهی معتقدند داستان‌هایش تحت تاثیر ادبیات آمریکای جنوبی است. اما آن‌ها که او را از نمایی نزدیک‌تر می‌شناسند، می‌دانند که محمودی ایرانمهر مجذوب نویسندگان رئالیست نیمه اول و دوم قرن بیستم نظیر همینگوی است.
خودش می‌گوید: باید همه این گونه‌ها در جایی به تلاقی برسند تا به امضای خاصی برای نویسنده مبدل شوند. طی ۱۲ سال اخیر هم ادبیات کلاسیک وطنش را به عنوان منبع الهام بخشی کشف کرده است.
وی تاکید می‌کند: با مطالعه متون کهن فارسی متوجه می‌شویم بسیاری از بن‌مایه‌های فرهنگ و ادب امروز که فکر می‌کنیم همه را از غرب به عاریت داریم، ریشه‌هایی از آن به خودمان تعلق دارد.
او شاهنامه را یکی از مهم‌ترین سرچشمه‌های الهام‌بخش ادبیات کشورمان می‌خواند و هر ایرانی را با هم‌راهی این میراث‌دار ای پشتوانه‌ای ارزشمند بیان می‌کند که با آن نه‌راه را گم می‌کند و نه کم می‌آورد. گویی پدری قدرتمند در کنارش دارد که هر اشتباه را می‌بخشد و جبران می‌کند. باور دارد که کمک گرفتن از این منبع سرشار، نوشته‌هایش را خاص می‌سازد.

ماجرای آن خبر ترحیم

در پایان، یکی از خاطراتش را که به شباهت نام‌های خانوادگی برمی‌گردد، تعریف می‌کند: مرحوم هادی تقی‌زاده، نویسنده مطرح کشور یکی از دوستان نزدیک من بود، دست بر قضا قرار شد خبر ترحیمش را به یکی از روزنامه‌ها اعلام کنم. به محض معرفی خودم با شهرت محمودی و دادن خبر فوت تقی‌زاده، کارمند روزنامه با عصبانیت گفت: ما را دست انداخته‌ای، هادی تقی‌زاده و علیرضا محمودی، روزنامه‌نگار دو سوی میز کار ما نشسته‌اند. غافل از این که آن‌ها هم‌نام ما نفر بودند و من به سختی توانستم خودم و صحت خبرم را به اثبات برسانم.

یادداشت

دکتر حسن خجسته

رئیس پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

ضرورت آموزش سواد رسانه‌ای و چالش‌های پیش رو

با پیشرفت و توسعه رسانه‌ها، دنیا به مرحله جدیدی گام نهاده که در آن، رسانه‌ها ضمن گام برداشتن در مسیر تکامل و تنوع، به یکی از اجزای اصلی و جریان ساز جوامع بشری تبدیل شده‌اند. بر این اساس، بیش از دو دهه است که صاحب نظران ارتباطات بر اهمیت توسعه سواد رسانه‌ای در میان آحاد جامعه تاکید می‌ورزند. به نظر می‌رسد با گسترش این مبحث، می‌توان از تاثیرات منفی که رسانه‌ها بر بستر فرهنگ و اجتماع دارند، تا حدود زیادی پیشگیری کرد. در واقع سواد رسانه‌ای یک روش نرم برای مواجهه آگاهانه با رسانه‌هاست که به مخاطب امکان بهره‌مندی حداکثری از مزایای رسانه و مصون ماندن از عوارض آن را می‌دهد و باعث می‌شود تا جریان‌های اجتماعی به مثابه توده‌هایی بی‌اراده و اختیار، متاثر از پیام‌های ارتباطی و اطلاعاتی قرار نگیرند و در مواجهه با آن‌ها توان تحلیل و تفسیر داشته باشند. زمانی ضرورت این مبحث آشکار خواهد شد که به این مسئله واقف شویم که عصر ارتباطات سرشار از اطلاعات و اخبار جدید است که هر لحظه بر زندگی ما تاثیر می‌گذارد، در چنین فضایی سواد رسانه‌ای کمک می‌کند تا چگونگی استفاده از رسانه‌ها و منابع اطلاعاتی آن‌ها را یاد بگیریم. این فرآیند مستلزم رسیدن به سطحی از مهارت است تا بتوان رابطه فعال‌تری با رسانه‌ها داشت. هم اکنون بیشتر کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه جهان، برای گسترش این نوع از سواد در میان شهروندان خود تلاش‌های در خور توجهی را، چه در حوزه سیاست‌گذاری کلان و چه در برنامه‌ریزی و اجرا انجام داده‌اند. در کشور ما هم به عنوان یکی از کشورهای در حال توسعه که قصد تحقق چشم انداز بیست ساله و در الگوی توسعه اسلامی- ایرانی را دارد، ضروری است که توجه به این مهم در دستور کار سیاست‌گذاران و متولیان این حوزه قرار گیرد. البته اقداماتی صورت گرفته اما نتوانسته به کفایت، مخاطب را بهره‌مند سازد و صرفا محتوایی هشداردهنده را ارائه کرده است. سواد رسانه مبانی و اصولی دارد که بسیاری از این اصول در تمام کشورها مشترک هستند اما برخی از این اصول باید در حوزه‌های فرهنگی گوناگون بومی‌سازی شوند و هر یک از کشورها بر اساس ویژگی‌ها و ظرفیت فرهنگی و نیازهای خودشان اقداماتی را در دستور کار قرار دادند، کشور ما نیز از این قاعده مستثنی نخواهد بود، از این رو متولیان امر باید سواد رسانه‌ای را بر اساس محیط فرهنگی و سپهر رسانه‌ای خویش بومی‌سازی کنند و این امر مهم‌ترین چالش آن‌ها به شمار می‌آید. نکته قابل توجه دیگر آن است که سواد رسانه‌ای به صورت خود به خود در افراد به وجود نمی‌آید و با سیستم آموزشی منسجم امکان پذیر است. جنبش آموزش سواد رسانه‌ای در کشورهای مختلف به راه افتاده است و ما در این زمینه با تاخیر رو به رو هستیم. هم اکنون در کشور ما نهادهای مختلف فرهنگی و آموزشی کم و بیش سیاست‌هایی را در زمینه سواد رسانه‌ای تدوین کرده‌اند؛ از جمله این نهادها، وزارت آموزش و پرورش است که متولی رسمی آموزش در کشور به شمار می‌آید و علی‌رغم آن که این وزارتخانه طی سال‌های اخیر گام‌های مطلوبی در این حوزه برداشته است اما آن چه امروز حاصل آمده جامعه را کفایت نمی‌کند. نسل جوان ما بیش از هر بخش دیگر جامعه باید در عناصر تربیتی خود با این مفهوم مانوس شود چرا که در مواجهه با آسیب‌های بیشتری نیز در مقایسه با دیگر گروه‌ها قرار دارد و اساسا فرهنگ‌سازی نیز از بستر همین جریان اجتماعی جوان میسر می‌شود تا در آینده شاهد تاثیرات عمیق‌تر آن باشیم. اما با وجود همه این دغدغه‌ها و مباحث، متاسفانه تاکنون واحد درسی تحت عنوان «سواد رسانه» برای این گروه یا حتی دانشجویان گنجانده نشده است. اما در این زمینه تمام رسانه‌ها اعم از دیداری و شنیداری می‌توانند در این حوزه به اشکال مختلف، سهم و نقش سازنده خود را ایفا و به ترویج این بستر فرهنگی کمک کنند. البته نباید از این مهم غافل شد که آموزش سواد رسانه‌ای بدون سرمایه‌گذاری دولت به خوبی پیش نخواهد رفت. هر چند که طی سال‌های اخیر موسسات و سازمان‌های مردم‌نهاد در این زمینه فعالیت می‌کنند، اما موسسات مذکور نیز برای ادامه فعالیت خودشان نیاز به حمایت دولت دارند. در پایان باید اذعان کرد، توسعه فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کشورمان بستگی به حضور فعال شهروندانی آگاه و صاحب توانمندی‌های علمی و مهارت‌هایی دارد. لازم است برای تربیت چنین شهروندانی در برنامه درسی کلیه مدارس از دوره ابتدایی تا پایان تحصیلات دانشگاهی، نقش آموزش سواد رسانه‌ای و تربیت شهروندی پررنگ‌تر شود و متولیان این گونه آموزش‌ها و قانون‌گذاران ضمانت مالی و اجرایی آن را با تصویب قوانین فراهم سازند.

مشهد # Mashhad

شهر و استان در شبکه‌های اجتماعی

حضور کمیل قاسمی مدال‌آور کشتی آزاد ایران در المپیک ریو به عنوان خادم افتخاری، در حرم امام رضا(ع)

هنگامه قاضیانی بازیگر خراسانی در صفحه اینستاگرامش، همزمان با آغاز مراحل ساخت فیلم «اردک لی» به کارگردانی بهروز غریب‌پور، از حال و هوای این اثر نوشت: «در این هفت ماه شش فیلم‌نامه نقش یک به دستم رسید، که از اول تا آخر بودم، اما نبودنم را بیشتر می‌دیدم در فضای تهی کلمات و قصه‌های بس ملالت‌آور و تکراری، تا فیلم‌نامه «اردک لی» بعد از بیست و پنج سال از لفاف صبر زمان به دستان تهیه کننده شاعر سینمای ایران علی حضرتی رسید و او مثل همیشه با شهامت به پدر اپرای عروسکی آقای دکتر بهروز غریب‌پور گفت هستم. نقش را خواندم و به یاد نامادری قصه صمد بهرنگی افتادم و اولدوز و یاشار، که همه خیال و بلوغ من بود در ۹ سالگی، بی‌شک با ایقان گفتم من نیز هستم، گریم سخت روی صورتم نقش و جانی به این زن داد. جلوی دوربین اثر بی‌شک مانای اردک لی رفتم، مقابل دوربین مردی که عروسک‌های اپراهایش مولانا و حافظ و سعدی می‌خوانند. شب اول تا روز بعد ۳۶ ساعت این نقش خواب به چشمم نیاورد، این زن که بود و چه هست در زمین بماند برای تصویر و آیندگان... بعد از هجده سال ایفای نقش‌های دقیق اعتراف می‌کنم «سخت‌ترین ژست روانی» و ایفای نقش را تجربه کردم...»

بازار روز

منبع: سازمان صنعت، معدن و تجارت خراسان رضوی

کالا	قیمت(تومان)	واحد
گوجه‌فرنگی	۲۱۰۰	کیلوگرم
سیب‌زمینی	۱۸۰۰	کیلوگرم
پیاززرد	۱۹۰۰	کیلوگرم
عدس کانادایی	۷۰۰۰	کیلوگرم
لوبیاقرمز	۸۲۰۰	کیلوگرم
روغن نباتی جامد	۲۳۵۰۰	حلب ۵ کیلویی
برنج پاکستانی درجه یک	۷۳۰۰	کیلوگرم
روغن مایع	۵۲۰۰	بطری ۸۱۰ گرمی
مرغ گرم	۶۵۰۰	کیلوگرم
گوشت گوسفندی (لاشه)	۳۶۵۰۰	کیلوگرم
گوشت گوسفندی (ران بی چربی)	۴۷۵۰۰	کیلوگرم

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۳۹۶۰۳۰۶۰۰۵۰۰۱۴۴۶ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک نیشابور تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای محمد صادق امین الاسلامی فرزند ابوالحسن به شماره شناسنامه ۲۳۳۴۵ صادره از نیشابور در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۵۵۱۹۱/۸متر مربع پلاک شماره ۵۴ اصلی واقع در اراضی دهنو خلج بخش ۹ حوزه ثبت ملک نیشابور خریداری از محل مالکیت مشاعی متقاضی و سایر مالکین مشاع محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۳۹۶/۰۷/۱۹
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۳۹۶/۰۸/۰۴
۹۶۱۴۸۷۴۲/ش
محمد کاظم باقرزاده- رئیس ثبت اسناد و املاک نیشابور

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۳۹۵۶۰۳۰۶۰۰۵۰۰۵۲۱۷ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک نیشابور تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای محمد صادق امین الاسلامی فرزند ابوالحسن به شماره شناسنامه ۲۳۳۴۵ صادره از نیشابور در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۵۲۱۰۵/۱ متر مربع پلاک شماره ۵۴ اصلی واقع در اراضی دهنو خلج بخش ۹ حوزه ثبت ملک نیشابور خریداری از مالک رسمی محل مالکیت مشاعی متقاضی و سایر مالکین مشاع محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۳۹۶/۷/۱۹
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۳۹۶/۸/۴
۹۶۱۴۸۷۵۷/ش
محمد کاظم باقرزاده- رئیس ثبت اسناد و املاک نیشابور

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۳۹۶۰۳۰۶۰۰۵۰۰۱۴۵۱ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک نیشابور تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای محمد صادق امین الاسلامی فرزند ابوالحسن به شماره شناسنامه ۲۳۳۴۵ صادره از نیشابور در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۵۶۹۹۵/۹ متر مربع که مقدار ۳۴۱ متر مربع حریم کال میباشد پلاک شماره ۵۴ اصلی واقع در اراضی دهنو خلج بخش ۹ حوزه ثبت ملک نیشابور خریداری از محل مالکیت مشاعی متقاضی و سایر مالکین مشاع محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۳۹۶/۰۷/۱۹
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۳۹۶/۰۸/۰۴
۹۶۱۴۸۷۵۴/ش
محمد کاظم باقرزاده- رئیس ثبت اسناد و املاک نیشابور